

## اسرار خداوند آشکار میشوند!

### برگرفته از افسسیان باب ۳ آیات ۲ الی ۶



یقیناً شنیده‌اید که این مسئولیت به من سپرده شده است تا شما را برای بهره‌مند شدن از لطف خدا یاری رسانم. آری، همان طور که پیش از این به طور مختصر برایتان نوشتم، راز مقدس از طریق مکاشفه‌ای بر من آشکار شد. پس وقتی این را می‌خوانید، می‌توانید پی ببرید که من تا چه اندازه راز مقدس مسیح را درک کرده‌ام. این راز، آن طور که اکنون از طریق روح بر رسولان و انبیای مقدس خدا آشکار شده است، در نسل‌های گذشته بر انسان‌ها آشکار نشده بود. راز مقدس این است که غیریهودیان در اتحاد با مسیح عیسی و از طریق بشارت، هم ارث و اعضای یک بدن بوده، با ما در آن وعده شریکند.

چه احتمالاتی ممکن بود از پادشاه عجیب راجع به عیسی مسیح سربزند؟ به چه دلیل آنان چنین سفر خطرناکی را پی گرفتند تا پادشاه مستبد هیرودیس را فریب دهند؟ به چه دلیل

آنان میخواستند به هر طریقی نزد این کودکی که در آخور نگه داری میشد بروند؟ آنان میدانستند که در اورشلیم به احتمال زیاد به زبان پارسی قدیم صحبت میکنند و به همین دلیل آنان به احتمال زیاد به یک مترجم احتیاج خواهند داشت اما آنان به طور مرموزی وارد شهر شدند و سپس به شهر خود بازگشتند. چگونه آنان راه را پیدا کردند؟ تنها میتوان گفت که آنان چیزی را می‌دانستند که برای مردمان دیگر نهفته بوده است. این یک راز بود که آن کودک در آخور متولد شود و در آینده دنیا را نجات دهد. البته مدت زیادی هیچکس این مسایل را نمیدانست. هیرودیس از آن کودک به عنوان یک مخالف سیاسی بر ضد حکومتش بیم داشت. حتی تعداد کثیری از بزرگان دینی در آن زمان در بیت لحم این موارد را نوشته اند اما در آن زمان مردم قدرت فهمش را نداشتند. چه معنایی داشت که عیسی مسیح مدت طولانی پنهان بماند؟ به همین دلیل او کاملاً به صورت طبیعی یک نوزاد به دنیا آمد. آیا این پسر یوسف نیست که ما پدر و مادرش را میشناسیم! (یوحنا باب ۶ آیه ی ۴۲). شیطان به دنبال عیسی مسیح بود و میخواست او را وسوسه کند تا وی خود را قبل از موعد معین آشکار سازد: آیا تو پسر خدا هستی؟ پس خودت را از بالای یک برج به پایین پرت کن! و تا زمان مرگ دردناک عیسی مسیح بر روی صلیب این وسوسه ادامه داشت. سپس عیسی مسیح دوباره به چالش دعوت شد که: آیا تو پسر خدا هستی؟ پس از صلیب برخیز و زنده شو!

این که عیسی مسیح پسر خداوند و هم زمان در غالب انسان به دنیا آمده است یک چالش درک و فهمی برای ما انسان‌ها است. به همین دلیل تمام مسلمانان تا کنون بر این باورند که چگونه ممکن است خداوند قادر و کامل همانند یک انسان به شکل من و شما باشد. واقعا این بحث که خداوند می‌تواند به انسان تبدیل شود بحثی است غیر قابل درک. در خطبه ی امروز ما پولس رسول می‌خواهد به ما بگوید که این یک راز است. هنگامی که پولس رسول این را به ما میگوید ما نباید فکر کنیم که فرزند خداوند چیزی زمینی و طبیعی است و ما میتوانیم آن را با عقل انسانیمان درک کنیم. ما نباید متعجب بشویم که تعداد زیادی از مردم کریسمس را جشن گرفته اند و معنای واقعی تولد پسر خداوند عیسی مسیح را مدت طولانی است که دیگر درک نمیکنند. چه کسی راز خداوند را متوجه می‌شود؟ (رومیان باب ۱۱ آیه ی ۳۳). پولس رسول از این موضوع نا راضی است. و به ما این را میفهماند که ما انسان‌ها در درک و فهم خداوند محدودیت‌هایی داریم. طبیعتاً ما انسان‌ها خوشمان نمی‌آید که درک و فهمان یک درجه به عقب باز گردد. زیرا ما در حال حاضر درک عمیق‌تر و بهتری در خیلی از موارد زمینی خودمان نسبت به گذشته داریم. بسیاری از پدیده‌ها در دنیای طبیعی و منظومه ی شمسی را به مراتب بهتر می‌فهمیم. اما هنگامی که این مسایل مربوط به خداوند باشد به یک راز بر خواهیم خورد. با استفاده از هیچ ابزاری نیز نمیتوانیم این مساله را درک کنیم. و به همین دلیل بسیاری از مردم ایمانشان را با عصبانیت دور می‌اندازند. ما نباید این کار را انجام دهیم. بنابراین چیزی که برای انسان غیر ممکن است برای خداوند ممکن خواهد بود!

در افسوسان دقیقا به این اشاره دارد که خداوند غیر ممکن را ممکن می سازد! خداوند به تنهایی آن را انجام داد که برای انسان ها غیر قابل درک بود و به آنان در گذشته نشان داد که عیسی مسیح چه کسی است. و ما این مسایل را همیشه از داستان های کریسمس می شنویم. چوپانان ، دانایان ، شمعون و آنا. تمام این رموز را عیسی از خداوند می گرفت و به آنان آشکار می ساخت. یکشنبه ی امروز ظهور و تجلی عیسی مسیح نام دارد. در ترجمه به معنای روشن کردن می باشد. از آنجا که پولس در راه دمشق عیسی مسیح را دید در مورد این خدا می دانست که توسط عیسی مسیح آشکار خواهد شد. پولس میدانست که او تنها کسی نیست که این مساله را متوجه شده است. او خود را قطعه ای از یک زنجیره ی طولانی میدید بنابراین او آن را از قسمت هایی از انجیل و عهد عتیق نقل قول کرد. همه ی این خصوصیات تنها در یک فرد به نام عیسی مسیح گنجانده شده بودند. و در اینجا انسان باید همیشه این سوال را بپرسد که: چه انگیزه ای باعث شد که این افراد به طور مداوم و متمرکز به عیسی مسیح اشاره کنند؟ آنها چه انگیزه ای داشتند که زندگی خودشان را به خطر بیندازند برای روشن کردن انجیل و دین مسیحیت. بدیهی است که این نمیتوانست تنها خلق و خوی آنان بوده باشد. همه ی آنان چیزی را میدانستند که با عقل انسانی نمیتوان آن را درک کرد. امروزه نیز انسان هایی وجود دارند که درکی فراتر از انسان های معمولی دارند و غسل تعمید می گیرند و راه عیسی مسیح را دنبال میکنند حتی اگر به قیمت جانشان تمام شود. این تنها می تواند به این معنی باشد که خداوند فرای درک و فهم انسانی آنان را صدا کرده و چشمانشان را بر روی راه حقیقی باز می کند. هنگامی که خداوند این چنین شگرف انسان هارا صدا میکند این به این معنی نیست که او محدودیت بین آسمان و زمین را شکسته و آن را آشکار ساخته است. نه، خداوند قادر و کامل به طریقی خود را آشکار می کند که تعداد زیادی از انسان ها قدرت درک آن را ندارند. این دانایان دوباره به شهر خود بازگشتند. احتمالا آنها در آنجا همه چیز را همان طور که قبلا بود یافتند. اما در عین حال همه چیز متفاوت بود. آنها عیسی مسیح نوزاد را یافتند. تقریبا همین چیز نیز برای ما اتفاق خواهد افتاد. بعد از غسل تعمید برای مثال رنگ موهایمان یا چیز های مضحکی از این قبیل برایمان اتفاق نخواهد افتاد. ما دقیقا مانند همان انسانی که قبلا بوده ایم خواهیم ماند و کار های روزمره مان را از سر خواهیم گرفت. در عین حال همه چیز کاملا متفاوت است. عیسی مسیح برایمان بیشتر آشکار شده است. به نظر من عیسی مسیح به هیچ عنوان شما را به چالش نخواهد کشید تا خودش را برای شما اثبات کند. همانطور که عیسی مسیح از بالای برج نپرید تا به شیطان و دنیا ثابت کند که پسر خدا است همان طور نیز عیسی مسیح چالشی ترتیب نمی دهد که به ما نشان دهد که چه کارهایی کرده و اینجا وجود دارد. حتی در زندگی مسیحی مان نیز چیزهای زیادی باید پنهان بمانند. خیلی از راه هایی که خداوند برای ما گذاشته است را ما هرگز نخواهیم شناخت. شاید ما نیز از ته قلب آرزویی داریم که خداوند رازی را برایمان آشکار سازد. و به علاوه خداوند به هیچ عنوان در زندگی من دخالت نخواهد کرد و همه چیز را تک تک برای من مشخص نخواهد کرد که در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد. و همچنین ما راه خود را همانند دانایان ادامه خواهیم داد تا راه زندگی مان را در زندگی روزمره بیابیم. توسط عیسی مسیح زندگی مان هیچ موقع خراب نشده و به اصطلاح بر روی سقف بنا خواهد شد. عیسی مسیح خود به عنوان انسان و پسر یوسف پنهان ماند. دقیقا زمانی که او بر روی صلیب بود می توانست همه چیز را تغییر دهد. اما این کار را نکرد. این که خداوند بر روی صلیب زجر بکشد برای گناهان انسان ها باید پنهان می ماند. و در عین حال عیسی مسیح این پیام را برای بسیاری از انسان های دیگر به روش دیگری شرح داد. همان طور برای پولس رسول. طبیعتا پولس رسول پس از این که عیسی مسیح را شناخت دیگر نمی توانست به سادگی گذشته کارش را انجام دهد و مسیحیان را در دمشق دستگیر کند. نه، با خوشحالی عظیمی او همه چیز را عوض نمود. چیزیکه قبلا برای او آشکار نبود همانند ستاره ی روشن صبح در قلب او آشکار گردید و او فهمید که چیزی بالا تر از آسمان و زمین وجود دارد که هم اکنون در نزدیکی ما است. به این طریق بسیاری از انسان ها با ملیت های گوناگون عیسی مسیح را پرستش نمودند حتی در مواقعی که به ارزش جانشان برایشان تمام شد و راه او را ادامه دادند.

تا امروز نیز بسیاری از مسیحیان ناراحتند و اشک میریزند که عیسی مسیح کماکان باید پنهان بماند. طبیعتا آنان دعا می کنند آرزو دارند و ایمان دارند که عیسی مسیح باز خواهد گشت و همه چیز را برایشان آشکار خواهد ساخت. احتمالا آن چگونه خواهد بود؟ قطعاً همانند وقتی است که یکی از اعضای خانواده از یک سفر طولانی باز خواهد گشت. او را در آغوش می گیرید برایش چیز هایی را تعریف میکنید و یا تنها خواهید گفت: پدر! و تمام این کار ها را ما الان انجام می دهیم. با این اعتقاد و عقیده که عیسی مسیح همه را می شنود و می فهمد. در نام عیسی مسیح. آمین.

*M.Atri*